

ای منادی ملکوت الهی نامهٔ اخیر شما رسید

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شمارهٔ ۶۰۹

طهران

حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای منادی ملکوت الهی نامهٔ اخیر شما رسید و از مشاغل و صعوبات در امر انتخاب اعضای پارلمنت اطلاع حاصل گردید حقّ با شماست هر مسئله که باید سبب الفت و محبت در بین یاران گردد بالعکس سبب اختلاف میشود و این خبر افشا میگردد و سبب جسارت و ملامت طوائف سائر میشود زیرا با وجود اختلاف بسیار مشکل است و عاقبت سبب بغض و عداوت مابین و پشیمانی و ندامت و ملامت اعدا میگردد مشکل است انجام یابد در امریک و اروپ حتی در مصر چون مسئلهٔ انتخاب بمیان آمد ابداً نه صدائی نه ندائی نه اختلاف نه نزاعی مراجعت بآراء گردید و اهالی مملکت نیز هر انسانی در نهایت سکون شخصی را معین کرد بعد هر نفسی اکثریت داشت او وکیل از طرف سائرین گشت و اعضای مجلس پارلمنت را انتخاب نمودند در نهایت سکون بی صدا و ندا وقتی که تمام شد از جرائد معلوم گردید که انتخاب واقع گشته باری ملاحظه شد که در ایران در خصوص پارلمنت میان طوائف و مذاهب عربدهٔ عجیبی حاصل شده شبهه نیست که این پارلمنت نیز مثل دو پارلمنت سابق بی نتیجه خواهد شد زیرا عبارت از های و هوی است نه تحرّی آسایش ایرانیان لهذا یاران اگر در کار باشند سلامت هستند و سبب عزّت و سبب اطمینان جمیع دول شود و از این گذشته حضرات یحیائیا بمفتریاتی پرداخته اند که وصف ندارد از جمله خبرهای متعدّده نامه های مفصل بامضا بی امضا بجزیدهٔ چهره نما مرقوم نموده اند که عبدالبهاء مبالغ خطیری به طهران فرستاده و میفرستد تا رشوت بدیگران بدهند و بهائیان عضویت پارلمنت یابند و بنیان اسلام بر باد دهند و ملت را بکلی معدوم کنند زیرا نفوذ عظیمی در خارج و داخل پیدا کرده اند از جمله نوشته اند که من ده هزار تومان تلغرافاً به طهران بجهت این کار در بدایت انتخاب نزد جناب حاجی غلامرضا فرستاده ام و پی در پی میفرستم ولی ده هزار تومان اوّل را جناب حاجی غلامرضا یک شب بقمار داد لهذا از نظر افتاد بعد دو ضعف این مبلغ فوراً ارسال گردید و همچنین متصل میفرستم و میخواهم بقوّه برطیل چنین امر عظیمی



را از پیش ببرم سبحانک هذا بهتان عظیم من نفوس را بتبیل و تضرع میخوانم نه بمناسب اهل تکبر مرا آرزو چنانست
که یاران الهی روح مجسم گردند و نور مصور بقربانگاه عشق رقص کمان بشتابند

یک دست جام باده و یک دست زلف یار

رقصی چنین میانه میدانم آرزوست

ولکن این یخزدان از بهتان هیچ پروائی ندارند فسوف یرون انفسهم فی خسران مبین لهذا چون نامه نامی آن جناب بدقت
قرائت گشت فوراً تلغراف به طهران شد "طهران غلامعلی دوافروش رضایت الهی خواهید نه عضویت پارلمنت" تا واضح
شود که جمیع این مقالات بهتانست و این تأثیر عجیبی در خلق خواهد کرد اما حال عبدالبهاء از روزی که اخبار اختلاف
از طهران رسیده بکلی خواب برای من نمانده تمام شب بیدارم ابداً نمیخوابم و بعضی علاجها استعمال گردید ولی هیچ ثمر
نبخشید و الآن با وجود اینکه شب نخفته‌ام و جسم در نهایت تعب و تب و کسالت است باز از شدت محبت بشما این
نامه مفصل مینگارم حرم محترمه صبیّه من ادراک محفل التجلی حضرت علیّ قبل اکبر اگر ممکن شود که بنهایت راحت
بزیارت آید و مراجعت کند مأذونست و علیک البهاء الأبهی
عبدالبهاء عباس